

اشاره

یکی از مسائلی که از دیرباز ذهن اندیشمندان، روان‌شناسان و دانشمندان علوم انسانی را به خود مشغول کرده است، چگونگی رشد و پرورش خلاقیت و ابتکار عمل در دانش‌آموزان و نوجوانان است. امروزه، جامعه ما بیش از هر زمان دیگر به افراد هوشمند و خلاق نیاز دارد. هر قدر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، پیچیده‌تر می‌شود، نیاز به شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق و آفریننده نیز بیشتر و شدیدتر می‌گردد. در همین راستا، این مقاله به بررسی مدارس خلاق و عناصر آن‌ها می‌پردازد و در آن، تاریخچه آموزش و پرورش مبتنی بر خلاقیت، خلاقیت در نظام آموزش رسمی، مدارس خلاق، معلمان خلاق، مدیران خلاق، برنامه درسی خلاق و دانش‌آموزان خلاق بررسی می‌شود. خلاقیت و پرورش آن، برای معلمان به‌منظور پرورش دانش‌آموزان برای عصر دانش و آگاهی، فرصت بی‌نظیری فراهم می‌کند، اما اگر در این مسیر نسنجیده عمل شود، این فرصت چالش‌برانگیز به تبدیل تهدید می‌شود. خلاقیت آموختنی است، پس چه بهتر که مدارس با توجه به این مهم، از طریق ایجاد شرایط، مقتضیات، تجهیزات و امکانات لازم، گامی به‌منظور آموزش و پرورش کودکان خلاق بردارند. در واقع، کودک خلاق امروز همان بزرگسال خلاق آینده است.

خلاقیت آموختنی است

مدارس خلاق

سرآغاز

خدا انسان را خلاق خلق کرد و در گوهر وجودش کنجکاو را نهاد تا پدیده‌های گوناگون او را تحریک و به بررسی یا کشف ترغیب کند. مهم‌ترین ویژگی دنیای امروز، تغییر و تحول است، لذا باید این واقعیت را پذیرفت که سکون و بی‌حرکتی در این دنیا، نتیجه‌ای جز نابودی در پی ندارد. در این دوران فرایندها، پدیده‌های خلاقیت و نوآوری عرصه‌های بسیار گسترده‌ای از جامعه انسانی را تحت تأثیر خود قرار داده‌است. از این رو، عامل اساسی در پایداری نهادهای گوناگون، حرکت با محوریت خلاقیت و نوآوری است که از میان آن‌ها، رسالت آموزش و پرورش و خانواده در فراهم کردن شرایط بالقوه برای بروز خلاقیت مهم‌تر است. هدف آموزش و پرورش ایجاد تغییر مطلوب در رفتار است و گاهی تغییراتی که به نظر مربیان و اجتماع «مطلوب» می‌پندارند، با خلاقیت یادگیرنده مغایر است.

با توجه به این مسئله، نظام آموزش و پرورش باید از پویایی لازم برخوردار باشد و تغییرات و اصلاحات لازم در آن به طور مستمر صورت گیرد و در جهت خلاقیت و نوآوری گام بردارد. از عوامل آموزشی مؤثر در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان می‌توان به نقش مدیر، محتوا و برنامه درسی اشاره کرد. به‌کارگیری مدیران مبتکر، فضای مدارس را فضایی سازنده، خلاق، مبتکر، روح‌افزا، گرم و صمیمی، اثربخش و پرتلاش، هماهنگ و لذت‌بخش می‌کند.

گیلفورد خلاقیت را مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصیصه‌ها می‌داند که موجب تفکر خلاق می‌شود. معلم از طریق انعطاف‌پذیری، استقبال از تجربه و ایده‌های تازه، انرژی زیاد و شور و شوق برای زندگی و دوست داشتن دانش‌آموزان، به پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان می‌پردازد. **لایب نیس** می‌گوید: «معلم

می‌تواند جهان را تغییر دهد». **تورنس** می‌گوید ما برای بقا نیازمندیم قدرت خلاق کودکان را توسعه و مورد استفاده قرار دهیم.

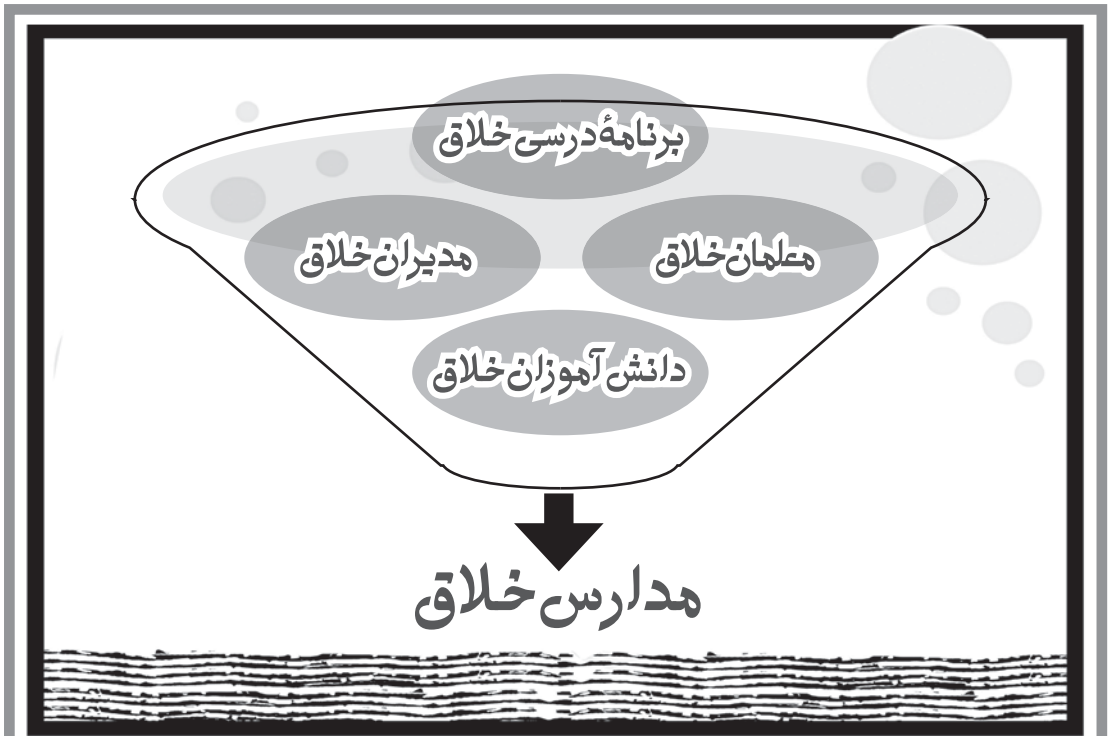
در مدارس، باید به شگفتگی و پرورش استعدادها، کودکان توجه شود تا آن‌ها به تدریج مسیر قطعی ذوق خود را بیابند و در دوره‌های بعد، از سرگشتگی و تردید آسوده باشند.

تاریخچه آموزش و پرورش مبتنی بر خلاقیت

دید حاکم در گذشته این بود که آنچه در جهان وجود دارد، صحیح و مطابق با مصلحت است و بشر توانایی و نیاز به تغییر آن را ندارد.

در اوایل دهه ۱۹۰۰ فعالیت‌های **والاس**، **راسمن** و **لمان** در ایالات متحده آمریکا موجب شد تا مراکز متعددی پیرامون بررسی خلاقیت به وجود آید. سپس **تورنس** و **کالوپن** تیلر تحقیقات خود را در بررسی محیط

یادگیری یعنی ایجاد
تغییرات کم و بیش
دائمی در رفتار بالقوه
یادگیرنده، مشروط
بر این که تغییر در اثر
تجربه رخ داده باشد



از انواع فعالیت هاست. بدهی است، برای دستیابی به اندیشه های خلاق، باید در جهت تضعیف یا حذف عوامل بازدارنده خلاقیت و ایجاد و تقویت عوامل پیش برنده گام برداشت.

- پای بندی به روش های سنتی و فشار برای انجام کار
- فشار هم کلاسی ها
- نداشتن انگیزه برای بروز خلاقیت
- نداشتن تمرکز ذهنی ناشی از عوامل دورن زاد چون اضطراب، افسردگی و... و عوامل بیرون زاد چون عدم پذیرش، ترس از دست دادن موقعیت شغلی و ...
- نداشتن سلامت روان
- به تمسخر گرفتن ایده های غیر معمول
- احساس عدم امنیت
- ترس از انتقاد و شکست
- احساس عدم اعتماد به نفس
- نبود آرامش و وجود تنش به خاطر محدودیت های زمانی [سیدعامری، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۲].

خلاقیت، تعجب آور نیست که تلاش برای آموزش خلاقیت در نظام آموزش رسمی ضروری باشد، خلاقیت را از دو راه می توان در آموزش و پرورش رسمی وارد کرد: راه اول، تدریس آن به عنوان درس و یا مهارتی تازه است. راه دیگر، تغییر شکل برنامه تحصیلی کنونی است. به عبارت دیگر، یا باید خلاقیت را به جای خود، به طور مجزا تدریس کنیم و یا باید خلاقیت بالقوه را در تمام دروس به کارگیریم.

دو دلیل خوب برای برتری راه دوم وجود دارد. نخست آن که، هنوز آگاهی ما درباره خلاقیت چندان نیست که بتوانیم آن را به طور مؤثری به عنوان موضوع درس مجزایی، تدریس کنیم. ما هنوز نظریه قاطعی در مورد خلاقیت، در اختیار نداریم. هم چنین دقیقاً نمی دانیم چه نوع اطلاعاتی، خلاقانه و یا غیر خلاقانه بهتر یاد گرفته می شود. ثانیاً و مهم تر این که، خلاقیت، فرایندی مجزا نیست، بلکه ترکیب بسیاری

و خلاقیت متمرکز کردند؛ او در سال ۱۹۵۸ مطالعاتش را در مدارس ابتدایی و راهنمایی شهر مینی پلیس شروع کرد. تورنس در نظر داشت ایزاری را که سال ها قبل همکارانش برای پیش بینی پیشرفت خلاقیت نوجوانان ابداع کرده بودند، بیازماید. اما نتایج این آزمایش هیچ گاه منتشر نشد.

عده زیادی از محققان عقیده داشتند که خلاقیت امری فطری و موروثی است، اما بر اثر تحقیقات علمی دامنه دار، اکنون معلوم شده است که استعداد خلاقیت در همه افراد با شدت و ضعف وجود دارد و می توان آن را بر اثر آموزش رشد و گسترش داد و شکوفا کرد.

در سرتاسر جهان امروز، آموزش تفکر خلاقانه بخش الزامی در برنامه آموزشی کودکان شده است.

خلاقیت در نظام آموزش رسمی

با توجه به بسیاری از مزایای مستند

مدارس خلاق

مهم ترین ویژگی عصر حاضر، تغییر و دگرگونی است برای پرورش افراد در عصر دانایی و اطلاعات، ما باید آن‌ها را خلاق، کنجکاو و متفکر بارآوریم. این هزاره به افراد دارای قدرت حل مسئله نیاز دارد تا درون این دریای اطلاعات و تغییرات، کشتی زندگی شان را در مسیر مناسب هدایت کنند و به سر منزل مقصود برسند. ایجاد مدارس خلاق، گامی مهم در پرورش چنین افرادی است. عناصر مدارس خلاق در شکل زیر نشان داده شده‌اند. در ادامه مقاله، هر یک از این عناصر بررسی می‌شوند.

مدیران خلاق

مدرسه صحنه اجرای نوآوری است و شاه کلید تغییر و نوآوری در مدرسه، در دست مدیر است. نقش مدیران در پرورش خلاقیت بسیار مهم شمرده شده است. مدیران خلاق می‌توانند خود و مدرسه تحت مدیریت خود را به مواجهه با مشکلات و بهره گیری از فرصت‌ها سازگار سازند و کمیت و کیفیت تصمیمات و فعالیت‌ها را افزایش دهند و دانش آموزان را از آموزش بهتری برخوردار کنند.

ارنست دیل بر این باور است که داشتن مدیران خلاق و نوآور، شاید بهترین عامل در تضمین بقای سازمان برای ارائه اندیشه جدید و بکر باشد. هم چنین **فوکسال** و **هاکت** معتقدند، افراد خلاق و نوآور با پیشنهاد تغییرات بسیاری موجب رشد آرا و افکار جدید می‌شوند. اما چگونه می‌توان مدرسه‌ای خلاق داشت و برای داشتن مدیران خلاق در مدرسه چه تدابیری باید اندیشید؟ پاسخ به این سؤالات را باید در عوامل مختلفی از جمله، جو و محیط سازمانی، ساختار سازمانی، نظام

ارتباطی، مدیریت و از همه مهم تر سبک مدیریت جست‌وجو کرد.

در این جا برای درک نقش اساسی مدیر در کیفیت فرایند آموزشی مدرسه، سه سبک مدیریت را بیان می‌کنیم:

● **پاسخگویی:** مدیرانی که برای ایجاد تغییر و بهبود کیفیت یاددهی - یادگیری هیچ برنامه از پیش تعیین شده‌ای ندارند، طالب حفظ آرامش در مدرسه از طریق حفظ وضع موجود هستند. این مدیران، نسبت به اقدامات نوجویانه بی تفاوت هستند.

● **گرداندگی:** مدیرانی که به ایجاد اقدامات نوآورانه کمک می‌کنند. این‌ها در برابر معلمان نوآور از خود واکنش مثبت نشان می‌دهند و از حرکت‌ها و اقدامات آن‌ها حمایت می‌کنند.

● **آغازگری:** مدیران دارای سبک آغازگری، بالاترین درجه توفیق را در اجرای نوآوری‌ها و ایجاد تغییر و تحول دارند. این مدیران، خود آغازگر برنامه‌های تحول آفرین هستند و اجرای آن را از معلمان می‌خواهند. این مدیران، هرگز از کلاس درس فاصله نمی‌گیرند، ولی به طرق گوناگون بر کیفیت کار معلمان نظارت می‌کنند.

به نظر می‌رسد، پاسخ به این سؤال که مدارس کشور ما کدام یک از سه سبک ذکر شده را توسط مدیران مورد استفاده قرار می‌دهند، می‌تواند گره‌گشای برخی مشکلات آموزشی شود و خالی از فایده نباشد.

معلمان خلاق

اگر معلمان خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن را به خوبی بشناسند و نگرش مناسبی به آن داشته باشند،

با وجود همه محدودیت‌ها، به خاطر انگیزه و عشقی که به دانش آموز دارند می‌توانند کلاسی فعال، پویا و خلاق داشته باشند. **رنزولی** عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت در مدرسه را دارای سه عنصر اصلی می‌داند که عبارت‌اند از: معلم، دانش آموز، برنامه درسی.

معلم خلاق، ذهن دانش آموز را از تعادل و سکون خارج می‌کند تا خود او از طریق قانون و اصل تعادل جویی، به تعادل دست یابد. معلم از طریق چندین عملکرد اساسی می‌تواند زمینه‌های رشد خلاقیت را در دانش آموزان فراهم سازد که به شرح مختصری از آن‌ها خواهیم پرداخت:

● **ساختار فیزیکی کلاس:** قرار دادن محرک‌های بصری در کلاس، چیدن مناسب میز و صندلی‌ها، و اختصاص فضای لازم برای فعالیت دانش آموزان، از جمله مواردی هستند که می‌تواند فرایند یادگیری خلاق را تسهیل بخشد.

● **ساختار شناختی-فکری مناسب:** پرورش کنجکاوی یکی از اساسی ترین قدم‌ها در این زمینه است. معلمان از طریق سؤال، اهمیت دادن به سؤال دانش آموز، پاسخ به سؤال، تقویت تعمق در سؤالات، تقویت قدرت تخیل، ریسک و خطر کردن و سرگرم کردن دانش آموزان به بازی‌های فکری و... به تقویت کنجکاوی و خلاقیت کودکان کمک می‌کند.

● **ساختار اجتماعی-عاطفی مناسب:** اگر دانش آموزان در کلاس احساس امنیت کنند و بدون نگرانی از احتمال تمسخر یا تهدید دیگران، هر نوع سؤالی را بپرسند و در بحث‌ها شرکت کنند و اشتباه و شکست را امری اجتناب‌ناپذیر و لازم برای

موفقیت تلقی کنند، جو مناسب اجتماعی - عاطفی حاکم شده است. معلم باید از دانش آموزان انتظار خلاقیت داشته باشد و آن را طلب کند و برای رفتارهای خلاق الگو نشان دهد؛ ضمناً می تواند از همکاران خلاق خویش به عنوان مهمان کلاس دعوت کند.

● ساختار آموزش و تدریس:

مناسب ترین روش برای رشد و شکوفایی خلاقیت کودکان، روش های تدریس فعال و اکتشافی هستند. مواد و محتوای آموزشی باید با توانایی ها، آمادگی و تجربیات پیشین دانش آموزان متناسب باشد و فرصت مناسب برای فعالیت های یادگیری را فراهم آورد.

با غنی سازی محیط آموزشی در چارچوب ضوابط برنامه، محیط تقریباً مناسبی برای خلاقیت دانش آموزان فراهم می شود تا آن ها به توسعه اطلاعات، تفکر، تقویت اعتماد به نفس و خودشناسی اقدام کنند. یعنی چنین محیطی می تواند زمینه پرورش خلاقیت را فراهم کند. **جانسون** و **جرارد** (۲۰۱۰) معتقدند، معلمان باید از تحقیقات اخیر در حوزه رشد کودکان آگاه باشند. هم چنین، معلمان در جهت رشد حرفه ای خود، باید از روش های متفاوت از قبیل: آموزش ویدیویی، یادگیری الکترونیکی، آموزش آنلاین و کارآموزی در مؤسسات رشد کودک بهره گیرند.

برنامه درسی خلاق

برای پرورش خلاقیت از طریق برنامه، ضرورت دارد که برنامه درسی براساس تجارب قبلی و آمادگی دانش آموز و شرایط یادگیری در جهت کسب اطلاعات و معلومات بهتر

و انتخاب و تنظیم شود. بهتر است برنامه های درسی بر انواع فعالیت های یادگیری اعم از فعالیت های کلاس درس و خارج از آن تأکید داشته باشد. فعالیت های یادگیری که در آن از حواس مختلف استفاده می شود، باعث افزایش انگیزه و توانایی دانش آموزان می شود. برنامه خلاقیت کلاسی در حوزه های زیر دنبال می شود: قطعه های بازی، بازی های نمایشی، اسباب بازی ها، سرگرمی ها، هنر، کتابخانه، اکتشاف، موسیقی و حرکت و رایانه. محیط کلاس غنی هماهنگ با ضوابط برنامه، می تواند زمینه پرورش خلاقیت را فراهم کند. عامل مهم دیگر در برنامه ریزی درسی، هماهنگی محتوا با مواد آموزشی مناسب است. در تألیف کتاب های درسی باید سعی شود که دانش آموزان از طریق کاوشگری به مطالعه و یادگیری مستقل بپردازند.

هم چنین، بهره گیری از تفکر و بیان غیرمستقیم در طراحی مواد آموزشی، خلاقیت در آموزش و پرورش را بهبود می بخشد. مواد آموزشی باید قدرت تخیل و تصویرسازی ذهنی دانش آموزان را تقویت کند. معلم باید از فعالیت های دیگری نیز در برنامه آموزشی دانش آموزان را به گردش های علمی و هنری ببرد، از دانش آموزان بخواهد در خصوص موضوعات گوناگون تحقیق کنند، دانش آموزان را به فعالیت های اجتماعی مثل شرکت در کارهای خیریه و عام المنفعه، فعالیت های هنری: نمایشنامه، نمایشگاه عکس، تهیه نشریه و... تشویق و ترغیب کند. استفاده از وسایل سمعی و بصری مانند فیلم، اسلاید و ویدیو نیز آموزش خلاقیت را تسریع می بخشد.

دانش آموزان خلاق

شریعتمداری (۱۳۸۲) ویژگی های افراد خلاق را بدین صورت عنوان می کند: انگیزه پیشرفت سطح بالا، کنجکاوی، علاقه مندی به نظم و ترتیب در کارها، قدرت ابراز وجود و خودکفایی، پشتکار و انضباط در کارها، استقلال، طرز تفکر انتقادی، زیباپسندی و علاقه مندی به آثار هنری، قدرت شهودی، قدرت تأثیرگذاری بر دیگران.

دانش آموزان خلاق دارای اعتماد به نفس، استقلال شخصیت و بسیار انعطاف پذیرند. برای پاسخ گویی به سؤالات شان به دنبال راه حل های غیرمعمول هستند. از اشتباه کردن ترسی ندارند. قادر به درک تفکرات و احساسات دیگران هستند. از توانایی تخیل فوق العاده ای برخوردارند. در برخورد با مسائل، از خود کنجکاوی نشان می دهند. از رفتار دیگران کمتر تقلید می کنند، بلکه سنت شکن و نوگرا هستند. گیرنده های قوی و مهارت های ادراکی بالایی دارند. دقیق و ریزنگرند و به دقت به اطراف نظر می افکنند. در درگیری با مسائل پیچیده، جسارت بسیاری از خود نشان می دهند. فرصت طلب و موقعیت جویند و قبل از دیگران طرح های خود را ارائه می دهند. استقلال رأی و استقلال قضاوت دارند. حوصله و توانایی شنیدن و هم جوشی با افکار دیگران را دارند و ایده ها و وضع موجود را مورد سؤال قرار می دهند. آن ها در مجموع افرادی شاد، مستقل و بعضاً شلوغ هستند. دانش آموزان خلاق با راه حل های مناسب حال را به آینده انتقال می دهند، کارشان را دوست دارند و در امور خود ثابت قدم هستند، هدف مشخصی را در زندگی دنبال می کنند. تجارب گوناگون و انرژی بسیار زیادی دارند و با رویی باز از تغییرات استقبال می کنند.

منابع

۱. آمابلی، ترزا (۱۳۷۴). شکوفایی خلاقیت کودکان و بزرگسالان. ترجمه حسن قاسم زاده و پروین عظیمی. دنیای نو. تهران
۲. بودو، آلن (۱۳۵۸). خلاقیت در آموزشگاه. ترجمه علی خانزاده. شرکت سهامی چاپر. تهران
۳. جعفریان سیار، حمید (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت: پرورش خلاقیت، رشد معلم. شماره ۱۵۶.
۴. چراغ چشم، عباس (۱۳۸۶). بررسی تأثیر شیوه های تدریس بر تکنیک های خلاقیت در آموزش و یادگیری دانش آموزان، دو فصلنامه تربیت اسلامی. سال سوم، شماره ۵، صص ۳۶-۷.
۵. سیدعامری، میر حسن و کوره چیان، هاشم و آذر، عادل و احسانی، محمد (۱۳۸۱). رابطه سبک های رهبری و خلاقیت با میزان اثربخشی مدیران تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. نشریه حرکت، شماره ۱۳، صص ۱۴۴-۱۲۳.
۶. سیدعامری، میرحسن (۱۳۸۰). بررسی تأثیر بازی های پرورشی در میزان رشد خلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال ۷۷. فصلنامه اسپین. سال نهم، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۱۹)، صص ۸۴-۷۳.
۷. شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). خلاقیت در علم و هنر. نامه فرهنگستان علوم، شماره ۲۰.
۸. موران، جیمز. (بی تا). خلاقیت در کودکان، تعلیم و تربیت در آموزش، (علیرضا پیرخانی، مترجم). آموزش ابتدایی. سال پنجم، شماره ۵
9. Johnson-Gerard, M. (2010). Creative Curriculum for Preschool in Action. Available online at www.sciencedirect.com